

نوشته : عمادالدین طبری



نقش و تأثیر مراجع تقلید شیعه

در تحصیل

استقلال عراق «۳»

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مستشرق پژوهنده آلمانی «کارل بروکلمان» (۱۸۶۸-۱۹۵۶) که در میان فضای عرب زبان به لقب «شیخ المستشرقین» مشهور است و اهل تحقیق با نام و کارهای تحقیقی او، خاصه کتاب پراج و ارزشمندش: «تاریخ الادب العربی» مشتمل بر پنج جلد (دو جلد اصلی و سه جلد ملحقات و تعلیقات) آشنائی دارند و اسپین تألیف و کارهای تحقیقی کتاب ممتعی است با نام «تاریخ الشعوب الاسلامیه» که باهتمام دو دانشمند عرب زبان «دکتر نبیه امین فارس» استاد فلسطینی دانشگاه امریکایی بیروت، «استاد نیر البعلبکی» لبنانی (از مشاهیر مترجمان آثار خارجی بزبان عربی) قریب ده سال پیش آن کتاب به زبان عربی برگردانده شده است.

این کتاب که در نوع خود و موضوع خاص خویش که حاوی وقایع و حوادث مربوط به پیدایش دولت‌ها و اقوام و ملل عربی از سده دوم میلادی (۱۰۶) تا آغاز جنگ جهانی دوم (سال ۱۹۳۹) اثری تحقیقی و شاید در نوع خود «کم نظیر» و از جهت دقت و مراقبت و تحقیق و استقصاء مؤلف پژوهنده اش «بی نظیر» باشد و احیاناً در یکی از شماره‌های آتی در مقالاتی خاص که بمنظور نقد این کتاب و ترجمه عربی آن تدوین خواهد شد در اطراف این کتاب و تذکار اشتباهات معدودی که ترجمه آن بچشم می‌خورد با خوانندگان مهنامه پیش‌تر صحبت کنیم زیرا احتوای فصولی خاص راجع به تاریخ تأسیس دولت‌ها و سلسله‌های ایرانی، مستلزم بازشناساندن این اثر پر ارزش، برای ارباب اطلاع و تحقیق ایرانی می‌باشد.

بهر تأویل در آخرین فصل این کتاب، که زیر عنوان «دولت‌های اسلامی پس از جنگ جهانی اول» دوپست و شانزده صفحه پایان کتاب را اشغال کرده و در بر گرفته است. محقق و پژوهنده آلمانی با استفاده از منابع و مآخذی اصیل در زمینه متار که جنگ عثمانی (۳۰- اکتوبر ۱۹۱۸) و تقسیم متصرفات امپراطوری عثمانی میان متفقین جنگ اول به تفصیل سخن رانده است و بالتبع درباره کلیه وقایع و حوادث و معاهدات و قرار دادهای علنی و سری دولت‌های فاتح جنگ اول و طرحها و گروه‌هایی که بمنظور ایجاد دولت‌های عربی (و اسلامی) مصر، ترکیه، فلسطین، سوریه، عراق، و دیگر دولت‌های اسلامی، مستشرق فاضل و پژوهنده آلمانی، استقصای لازم را بکار برده است.

از مباحث قابل‌امعان نظر این فصل، مذاکرات و مذاکرات و «شریف حسین» سردودمان خاندان هاشمی در ژوئیه ۱۹۱۵- با «سرهنری ماگماهون» مندوب السامی (کمیسر عالی) دولت بریتانیا در مصر است که با استفاده از منابع و مآخذی چون «کتاب سپید» که وزارت امور خارجه و وزارت مستعمرات دولت بریتانیای کبیر در اوائل ۱۹۳۹ مستند با اسناد سیاسی انتشار داده است همچون کتاب «بِقطة العرب» *The Arab Awakening*، تألیف «جورج انطونیوس» که در سال ۱۹۳۸ در لندن نشر یافته است.

ایضاً کتاب «عراق» تألیف «و. ایرلند W. Ireland» اطلاعات ذی-
 قیمتی را در کیفیت قیام خاندان شریف حسین هاشمی، و رؤیای تحصیل و احراز
 خلافت عربی پس از مدتی حدود (۶۵۰ سال) که در تاریخ انقراض خلافت بنی-
 عباس در بغداد منقضی گردیده بود، و تشکیل امپراطوری عرب که مقدمات
 آن تخیلات رؤیائی در پیمان سه‌جانبه، که بدو در مه ۱۹۱۶ میان وزیر
 امور خارجه روسیه تزاری «سازونوف Sazonov» و «مارکس سایکس
 Mark Sykes» سیاستمدار انگلیسی خیبر و کارشناس در مسائل شرق، و
 «مسیوپیکو F.G. Picot» ژنرال قونسول پیشین دولت فرانسه در بیروت
 در زمینه طرح تقسیم و اقسام امپراطوری عثمانی درآینده، گذارده میشود؛
 النهایه، پس از ظهور انقلاب روسیه در ۱۹۱۷ و خروج روسیه از پیمان سه‌جانبه
 آن پیمان به‌عنوان «پیمان سایکس-پیکو» معروف شده‌است.

در همین پیمان که معروف به «حلف‌الثلاثی» است، طرح تشکیل دولتهای
 تحت نفوذ فرانسه و بریتانیا، و تشکیل هلال‌الخصیب که در محدوده‌ای که از
 کنار خلیج «عقبه» تا «غزه» میرسد و از آنجا تا ساحل دریاچه طبریه امتداد یافته
 و از آن نقطه خطی منحنی بسمت شمال شرق تا کرکوک کشیده شده و از آنجا با
 تمایل بسمت جنوب غربی تا شرق کربلا امتداد پیدا کرده و به‌نصف رسیده و سپس
 خط منحنی به محاذات رود فرات تا حدود کویت و عربستان (نجد) بصوب جنوب
 شرقی ادامه مییافته است.

این محدوده که بمناسبت شباهت، عنوان «هلال‌الخصیب»
 (= هلال‌پریاچاق) گرفته‌است، منطقه نفوذ بریتانیا بود. ولی مناطق
 شرقی این هلال که در حدود قصر شیرین و «بعقوبیه» (شمالی بغداد) و در حدود
 جنوبی کویت ختم می‌گشت؛ چون از لحاظ سوق‌الجیشی و احتوای منابع
 سرشار نفت و متضمن بودن دوشاهراه آبی، «دجله» و «فرات» مهمترین منطقه
 بین‌النهرین بود. در پیمان مزبور این منطقه را، رسماً منطقه تحت‌الحمايه و کلنی
 انگلستان، پیش‌بینی نموده بودند.

پس از اختتام جنگ همزمان با تشکیل دولت سوریه با سلطنت فیصل بن الحسین در جهت ظهور حکومت بالشویکی ساویت در روسیه، و خطیر گشتن موقعیت شرق - وسطی و لزوم صیانت لقمه های چربی که نصیب انگلستان گشته بود، اقدام با اعلان تحت الحمایگی بین النهرین نمود. ولی با وجودی که از اثنای جنگ جهانگیر، سپاه هندی بریتانیا - سراسر بین النهرین را اشغال نموده بود؛ و نایب السلطنه هند، فرمانروایی عراق را تحت عنوان حمایت مصالح و منافع حکومت امپراطوری بریتانیا رأساً متعهد شده بود. اما بمحض اعلان تحت الحمایگی عراق، مرجع بزرگ تقلید عالم تشیع، مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی (میرزا شیرازی ثانی) و همچنین «شیخ الشریعه اصفهانی» حکم جهاد علیه تسلط اجنبی را صادر فرمودند.

درست است که اعلام تشکیل دولت مستقل سوریه، با سلطنت فیصل اول در مسأله انقلاب عمومی عراق، ذی تأثیر بوده است، ولی بشهادت منابع اصیل حکم جهاد مراجع تقلید وقت تشیع، در توسعه نهضت استقلال طلبی عراق، و بالمآل تحصیل استقلال آن اقلیم، مؤثر بوده است.

با وجودیکه فرمانروای کل انگلیسی عراق، جهت درهم کوبیدن انقلاب از تمام امکانات استفاده نمود، و محاکم نظامی و صحرایی، بی محابا علیه استقلال طلبان عراق، مبادرت بصدور احکام اعدام - می نمود. ولی حکم جهاد مراجع تقلید تشیع و تعمیم و توسعه انقلاب، سراسر عراق را به یکپارچه آتش مبدل ساخت. تا آن که دولت مستعمر مجبور گشت در مارس ۱۹۲۰ - علیرغم اهمتات «لرد کرزن» وزیر امور خارجه دولت بریتانیا با اعلام نامزدی «امیر عبدالله بن الحسین» (ملک عبدالله الهاشمی، پادشاه کشور اردن هاشمی بعد) ضمن اعلامیه ای تمایل و رغبت خود را بایجاد یک حکومت وطنی، منتشر نماید.

این مباحث از لحاظ احتوای بنکات مهمه و عدیده، هر یک محتاج بررسی جداگانه و تعلیل و توجیه خاص است که فعلا مجال و فرصت آن حاصل نیست. منتهی از لحاظ تفهیم نقش و تأثیر مراجع تقلید شیعه ایرانی مقیم و مجاور اعتبار مقدسه در زمینه تحصیل استقلال دولت جدید الولاده عراق در ۱۹۲۱ مقدمات

فوق لازم الاشعار بوده است.

اما آنچه که مهم است و در صحتش کمترین تردید راه ندارد، نحوه رفتار حکومت اسبق عراق با پیشتازان و پیشگامان استقلال طلبی آن خطه است که متعاقب صدور حکم جهاد، از طرف مراجع عظمی و ارجمند عالم تشیع علیه تسلط اجنبی در سرزمین عراق، که بشرح مندرج در صدر این مقال، از جانب سنی الجوانب مرحوم آیه الله میرزای شیرازی (آقا میرزا محمد تقی) اصدار پذیرفت و پس از رحلت آن بزرگمرد «شیخ الشریعه اصفهانی» اعلی الله مقامهما - درفش جهاد علیه تسلط خارجی را دربر گرفته، و قاطبه ایرانیان مقیم و مجاور عراق از جهت واجب العریضه بودن حکم جهاد، از جان و دل بپاخاستند و نائمه انقلاب در عراق زبانه کشید.

شدت این مبارزه وحدت آن بجدی بود که دولت خارجی مسلط بر سرزمین عراق را علیرغم اهتمامات «لرد کرزن» مجبور و وادار به تعدیل نظریه خویش ساخت که در آغاز مشعر بر تحت الحمايه بودن عراق و کلنی بودن آن مستعمره تازه بچنگ افتاده بود، و نخست «امیر عبدالله بن الحسین» را نامزد سلطنت عراق نمودند. منتهی با حفظ اصل «اتحاد» و «قیمومت دولت بریتانیا» این امر مرتبط به آذار (مارس) ۱۹۲۰ - است. و فرمانروای سیاسی کل انگلیسی بین النهرین هم در این زمان هیأتی از کار گزاران اداری و کشوری انگلیسی عراق را تحت ریاست رایزن قضائی خود، یعنی «سربونهام کارتر E. Bonham carter» مأمور میسازد که در زمینه طرق و راههای مناسب و مقتضی، تبدیل حکومت نظامی مستقر در عراق به حکومت غیر نظامی و مدنی مطالعات و بررسی عمیق و وسیعی را دنبال نمایند. این هیأت هم پس از مطالعات مفصل نظریه اتخاذ شده ولی مشورتی خویش را، مبنی بر ایجاد حکومتی مستقل مورد رضامندی مردم عراق با حفظ اصل «اتحاد» (یعنی باقیماندن کار - گذار عالی مقام انگلیسی که اعراب اورا «المندوب السامی» و در مطبوعات فارسی اورا «کمیسر عالی» ذکر نموده اند.) بعنوان بهترین طریق و مطمئن ترین روال جهت حفظ استقرار امنیت و صیانت حقوق عالیه دولت متبوعه خودشان،

مشروط بدان که این روال و طریق در یک مجلس مؤسسان، که آن مجلس در حدود و شکل قواره مجلس مؤسسان مصر تشکل پذیرد، مورد تنفیذ قرار گیرد. ولی بهر حال آن مجلس میبایست مجری نظریات مندوب السامی (کمیسر عالی انگلیس) بوده باشد (۱)

تفصیل جریانات و وقایع بعدی، تا سالگه ۲۳ حزیران (ژوئیه) - ۱۹۲۱ = ۱۳۰۰ شمسی که «فیصل بن الحسین» متعاقب اجتماع نمایندگان سیاسی و نظامی انگلیس در قاهره در تاریخ ۱۲ / آذار (مارس) ۱۹۲۱ (مطابق ۲۱ / حوت ۱۲۹۹ شمسی) که بر حسب دعوت و احضار «چرچیل» وزیر مستعمرات دولت محافظه کار بریتانیا، در قاهره جمع شده بودند، و در آن اجتماع «فیصل» را که پس از شش ماه سلطنت سوریه، فرانسویها اخراج کرده و بسطنت مستعجل او خاتمه بخشیده بودند و او پس از این ماجری به لندن و سپس بقاهره روانه شده بود برای تاج و تخت عراق نامزد نموده و «فیصل» هم در ۲۳ ژوئیه ۱۹۲۱ (اول اسد ۱۳۰۰ شمسی) بمنظور احراز تاج و تخت عراق، وارد بصره میشود و در ۲۹ ژوئیه به بغداد ورود مینماید.

این مسأله موجب طغیان «طالب پاشا» میگردد، که موضوع از لحاظ احراز اهمیت خاص، محتاج بتدوین مقاله ای جداگانه است. و در همین زمان که مقدمات تشکیل حکومت و دولت ظاهراً مستقل عراق فراهم میآید، حکومت تازه عراق درقبال اهتمامات و تلاشهای چندساله علمای ایرانی و مراجع تقلید وقت شیعه، ناسپاسانه با توسل بقوای نظامی و بنا بمیل و رغبت سرپرسی کوکس نماینده عالی مقام دولت بریتانیا (۲) اقدام به اخراج رؤسای حوزه های علمیه کربلا و نجف مینماید.

۱ - جهت مزید اطلاع به ص: ۲۷۹-۲۸۴ تاریخ الشعوب الاسلامیه،

مراجعة نمود.

۲ - این مأورد سیاسی انگلیس همان وزیر مختاری است که از طرف

دولت متبوع خود قرار داد (۱۹۱۹) را امضاء نموده است.

و در نتیجه سه تن از مراجع تقلید وقت شیعه، یعنی:

- ۱- حاج میرزا حسین غروی نائینی (در گذشته ۱۳۵۱ هـ)
- ۲- حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (در گذشته ۱۳۵۵ هـ)
- ۳- حاج سید ابوالحسن اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵ هـ)

با جمع کثیری از رؤسای حوزه‌های علمیه و طلاب و دسته‌ای از مجاورین بنا بتقاضای دولت نو بنیاد و جدیدالولاده عراق، رهسپار کشور ایران میگردند که از لحاظ اهمیت مطلب، در مقاله‌ای جداگانه - ان شاء الله در بعداً در این زمینه و بویژه مسأله واکنش دولت وقت ایران، درباره این عمل ناسپاسانه عراق، که متأسفانه در خلال مدتی کمتر از نیم قرن، این عمل طی دوبار صورت گرفته، و احساسات عالم تشیع را جریحه دار نموده است، مستنداً با ارائه اسناد و مدارکی حائز اهمیت، صحبت خواهیم داشت. و از جهت توجه نسل معاصر و ارباب تحقیق، انگیزه‌ها و علل این اقدامات ناسپاسمندان را از نظر تاریخ مورد بررسی و تعمق و تحقیق بی طرفانه قرار خواهیم داد. ان شاء الله